

بررسی اپیدمیولوژیک لیشمانیوز جلدی در شهرستان آران و بیدگل و تأثیر عوامل اقلیمی بر آن در سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۸

اعظم باقری^۱، منصوره مومن هروی^{۲*}، حبیب الله رحیمی^۳، فردوس شب کلاهی^۴، محسن حسامی آرانی^۵

^۱ گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

^۲ گروه عفونی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

^۳ گروه آمار، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

^۴ پزشک، شبکه بهداشت و درمان آران و بیدگل، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

^۵ گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

چکیده

زمینه و هدف: لیشمانیوز از جمله بیماری های انگلی مشترک بین انسان و حیوانات می باشد و در حال حاضر یکی از معضلات مهم بهداشتی در بسیاری از مناطق کشور ما است لذا این مطالعه با هدف بررسی شیوع لیشمانیوز جلدی در شهرستان آران و بیدگل و ارتباط آن با وضعیت آب و هوایی در سال های ۹۸-۱۳۹۵ انجام شده است.

مواد و روش ها: این مطالعه مقطعی با مراجعه به پرونده ۹۶۴ بیمار مبتلا به لیشمانیوز جلدی در سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ در شهرستان آران و بیدگل انجام شد و اطلاعات اپیدمیولوژیکی افراد ثبت شد. علاوه بر این خصوصیات آب و هوایی منطقه مطالعه شامل دما، رطوبت و بارش از ایستگاه هواشناسی منطقه جمع آوری شد. و تحلیل همبستگی بین عناصر هواشناسی و میزان بروز بیماری انجام شد. برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده شد.

یافته ها: ۶۰٪ بیماران مرد بودند. گروه سنی ۱۰-۰ سال بیشترین فراوانی (۲۳٪/۹) را در بین مبتلایان داشت. ۴۷٪ بیماران سابقه مسافرت به مناطق اندمیک را داشتند و بیشترین میزان ابتلا به لیشمانیوز، مربوط به ساکنین شهری می باشد همچنین همبستگی مثبت و ضعیف بین رطوبت نسبی و بارش با موارد بروز بیماری ($r=0/55$) وجود داشته و نیز بین میانگین درجه حرارت محیط با میزان بروز بیماری همبستگی معکوس و ضعیف ($r=-0/42$) مشاهده شد.

نتیجه گیری: با توجه به افزایش چشمگیر لیشمانیوز جلدی در سال های اخیر در این منطقه، همچنین شرایط مناسب اکولوژیکی منطقه برای فعالیت پشه خاکی، توصیه می شود آموزش های لازم جهت رعایت موارد بهداشتی در فصول گرم انجام شود و نیز کنترل های میدانی مانند طعمه گذاری تداوم یابد.

کلمات کلیدی: لیشمانیوز جلدی، عناصر آب و هوایی، اپیدمیولوژی، آران و بیدگل

مقدمه

بیماری انگلی لیشمانیوز جلدی بعنوان یک بیماری مشترک در اکثر مناطق گرمسیری و معتدل شناخته شده است^۱ که از طریق گزش پشه خاکی منتقل می شود ۳ این بیماری دارای سه شکل جلدی، احشایی و جلدی مخاطی می باشد^۴ که سالانه بیش از دومیلیون نفر که ۱/۵ میلیون مورد آن لیشمانیوز جلدی و ۵۰۰۰۰ مورد لیشمانیوز احشایی می باشد به این بیماری مبتلا می شوند^۵ در ایران سالانه حدود ۲۰۰ هزار مورد لیشمانیوز جلدی گزارش شده است که احتمالاً آمار واقعی آن ۴-۵ برابر می باشد^۶ با این وجود شیوع بالای این بیماری در استان های خراسان، فارس، اصفهان، خوزستان و کرمان همراه با متوسط بروز ۱۹۹ مورد در صد هزار نفر، این بیماری را به حالت بومی درآورده است^{۸-۱۲} بطوریکه دومین بیماری انگلی قابل سرایت به وسیله ی بند پایان پس از مالاریا، لیشمانیوز پوستی می باشد که به دو صورت شهری و روستایی دیده می شود^{۱۱،۱۳}.

مطالعات زیادی در سالهای متمادی، شیوع لیشمانیوز جلدی در مناطق مختلف ایران را گزارش نموده اند؛ دکتر ثقفی پور و همکاران طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸، ۱۸۱۲ مورد لیشمانیوز جلدی را در استان قم بررسی و شیوع آن را ۸/۲۵ در ۱۰۰ هزار نفر بر آورد کرده اند^{۱۴}. همچنین رحمانپور در بوشهر، اطلاعات اپیدمیولوژیک مربوط به ۶۶۱ نفر از مبتلایان لیشمانیوز جلدی که در سالهای ۱۳۹۴-۱۳۹۰ به مراکز درمانی این شهرستان مراجعه کرده بودند را مورد بررسی قرار داد که درصد ابتلا به لیشمانیوز جلدی در مردان ۵۹/۵٪ و زنان ۴۰/۵٪ بود^{۱۵}، با این وجود، براساس پژوهش های مشابه^{۱۶،۱۷}، تفاوت موجود در شیوع و انتشار اکثر بیماری ها مخصوصاً لیشمانیوز در مناطق جغرافیایی مختلف به عوامل مختلفی وابسته است که یکی از مهمترین آنها، فاکتورهای آب و هوایی و عوامل اکولوژیکی موثر بر مخزن و ناقل می باشد^{۱۸،۱۹} بطوریکه ایجاد سوبه های

جدید زیست محیطی برای ناقلان، باعث تغییر در توزیع زمانی و مکانی بیماری ها می شوند. استان اصفهان دارای تنوع آب و هوایی خاصی می باشد که گزارشات بروز و شیوع لیشمانیوز جلدی در مناطق گرمسیر این استان، بررسی اثر عوامل اکولوژیکی بر شیوع این بیماری را ضروری ساخته است. شهرستان های گرم و خشک این استان در سی سال گذشته بعنوان یکی از مهمترین کانون های لیشمانیوز جلدی در ایران شناخته شده اند^{۲۰، ۲۱}. یکی از مهمترین کانون های انتشار لیشمانیوز جلدی در این استان، شهرستان آران و بیدگل می باشد که با توجه به اهمیت تأثیر عوامل اقلیمی (آب و هوایی) بر شیوع لیشمانیوز جلدی، مطالعه حاضر با هدف بررسی اپیدمیولوژیک لیشمانیوز جلدی در این شهرستان و نیز ارتباط بین وضعیت آب و هوایی منطقه و بروز لیشمانیوز جلدی انجام شده است تا بتوان از نتایج این مطالعه در برنامه ریزی های پیشگیرانه و هدفمند کنترل لیشمانیوز در منطقه مورد مطالعه استفاده نمود.

روش کار

الف: منطقه مورد مطالعه

شهرستان آران و بیدگل با جمعیت ۱۰۳۵۱۷ نفر و وسعت ۶۰۵۱ کیلومتر مربع، در شمال استان اصفهان قرار دارد. این شهرستان در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴ دقیقه، از جنوب به شهرستان کاشان، از شرق به ابوزیدآباد، از غرب به نوشآباد و از شمال به کویر مرکزی ایران و دریاچه نمک متصل می شود. به لحاظ کویری بودن منطقه، ۱۹۰۰ کیلومتر مربع (۳۱ درصد مساحت شهرستان) در تپه های شنی قرار گرفته است^{۲۲}. آب و هوای این منطقه گرم و خشک با تابستانهای گرم و سوزان و زمستانهای سرد و خشک بوده و حداکثر دمای هوا در تابستان به ۴۸ درجه سانتیگراد و حداقل برودت هوا در زمستان به ۷- درجه

ساتیگراد می‌رسد. بارش سالیانه حدود ۱۳۸ میلیمتر و میانگین دمای سالانه ۱۹/۹ درجه سانتیگراد است. هرچند دما در پاییز و بهار معتدل است.

ب: روش گردآوری و تحلیل اطلاعات

پژوهش حاضر یک مطالعه‌ی مقطعی است. که با مراجعه به پرونده بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی طی سال های ۹۵ تا ۹۸ در مرکز بهداشت شهرستان آران و بیدگل، اطلاعات اپیدمیولوژیکی لازم استخراج شد. سپس با استفاده از این اطلاعات وضعیت توزیع ماهانه، فصلی و تغییرات سالانه بیماری لیشمانیوز جلدی مورد ارزیابی قرار گرفت. اطلاعات دموگرافیک، سوابق و علائم اپیدمیولوژی بیماری در فرم اکسل ثبت شد.

در مرحله بعد فاکتورهای هواشناسی منطقه مورد مطالعه شامل دما، رطوبت و بارش از ایستگاه هواشناسی سینوپتیک کاشان، به صورت میانگین ماهانه در سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ جمع آوری شد. از این اطلاعات جهت تحلیل همبستگی بین عناصر هواشناسی و میزان بروز بیماری استفاده می‌شود. سپس اطلاعات اپیدمیولوژیکی لیشمانیوز جلدی و نیز اطلاعات هواشناسی منطقه، جهت تجزیه و تحلیل وارد نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ شد. تجزیه و تحلیل آمار توصیفی (میانگین، فراوانی و ...) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون) انجام شد. با توجه به فاصله دو ماهه گزش پشه تا بروز بیماری، همبستگی بین بیماری و سه آیم دما، رطوبت و بارش با تأخیر ۲ ماهه انجام شد. سطح معنی داری P کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

الف: وضعیت ابتلا به لیشمانیوز جلدی از لحاظ

جمعیت شناختی

شهرستان آران و بیدگل با اقلیم گرم و خشک، به عنوان یکی از کانونهای اصلی پراکنش لیشمانیوز در استان اصفهان شناخته شده است مجموع تعداد بیماران مبتلا در طی سالهای ۹۸ - ۱۳۹۵، ۹۶۴ مورد مبتلا گزارش شده که ۶۰٪ از آنها مرد می‌باشند، ۹۴/۳٪ از بیماران ملیت ایرانی داشتند، ۸۴/۳٪ از بیماران ساکن شهر بوده و محدوده سنی بیماران ۱۰۲-۰ سال با انحراف معیار ۲۲/۵۷۲ است.

تعداد مبتلایان به لیشمانیوز جلدی از سال ۹۵ تا ۹۸ روند افزایشی داشت بطوریکه بیشترین تعداد مبتلایان به لیشمانیوز جلدی مربوط به سال ۹۷ (۴۴۵ نفر) و کمترین مبتلا مربوط به سال ۹۵ (۶۰ نفر) است. مطابق جدول شماره ۱، اکثریت مبتلایان (۲۳/۹ درصد) در رده سنی زیر ۱۰ سال است بطوریکه ۷۶ نفر از آنها کودکان زیر ۲ سال و ۴۶ نفر از آنها کودکان ۲ تا ۵ سال بودند. همچنین کمترین درصد ابتلا مربوط به گروه سنی بالای ۶۰ سال است. نتایج آزمون کای اسکور نشان داد که تفاوت معنی دار آماری در ابتلا به لیشمانیوز جلدی در گروه های سنی مختلف وجود دارد ($p=0/000$) و درصد مبتلایان در سنین پایین تر در سالهای ۹۷ و ۹۸ نسبت به سالهای ۹۵ و ۹۶ افزایش داشته است.

براساس جدول شماره ۱، فراوانی ابتلا در خانمها با اینکه کمتر از آقایان است ولی سیر صعودی داشته و از ۴۰٪ در سال ۹۵ به ۴۸/۲٪ در سال ۹۸ افزایش یافته است.

از لحاظ شغلی، ابتلا به بیماری لیشمانیوز جلدی در سالهای ۹۵ تا ۹۸ در افراد خانه دار کودک و محصل بیشتر از سایر موارد است. همچنین در گروه شغلی کارمند، نظامی، کارگر و راننده؛ ابتلا به لیشمانیوز جلدی کمتر از سایر مشاغل داشته اند. علاوه بر این، آزمون کای اسکور نشان می‌دهد که ابتلا به لیشمانیوز جلدی در طی سالهای ۹۵ تا ۹۸ در افراد خانه دار و محصل تفاوت معنی داری نسبت به سایر مشاغل داشته است (جدول شماره ۱)

جدول ۱: توزیع فراوانی سنی، جنسی، شغلی و ملیت مبتلا به لیشمانیوز جلدی برحسب سال بروز

سال بروز	سال				مجموع
	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	
توزیع سنی و جنسی	۰-۱۰	۲۴ (۱۰٪/۴)	۲۷ (۱۱٪/۷)	۹۹ (۴۳٪/۸)	۲۳۰ (۳۴٪/۸)
	۱۱-۲۰	۷ (۶٪/۱)	۱۱ (۹٪/۶)	۵۳ (۴۶٪/۵)	۱۱۴ (۳۷٪/۷)
	۲۱-۳۰	۶ (۵٪/۱)	۱۵ (۱۲٪/۷)	۴۸ (۴۰٪/۷)	۱۱۸ (۴۱٪/۵)
	۳۱-۴۰	۴ (۳٪/۱)	۹ (۷٪)	۷۶ (۵۸٪/۹)	۱۲۹ (۳۱٪)
	۴۱-۵۰	۱۱ (۷٪/۷)	۱۴ (۹٪/۹)	۷۳ (۵۱٪/۴)	۱۴۲ (۳۱٪)
	۵۱-۶۰	۴ (۳٪/۶)	۱۱ (۹٪/۹)	۵۸ (۵۲٪/۳)	۱۱۱ (۳۴٪/۲)
	۶۰>	۴ (۳٪/۳)	۹ (۷٪/۵)	۳۸ (۳۱٪/۷)	۱۲۰ (۵۷٪/۵)
	مرد	۳۶ (۶۰٪)	۶۷ (۶۹٪/۸)	۲۸۷ (۶۴٪/۵)	۵۷۸ (۵۱٪/۸)
زن	۲۴ (۴۰٪)	۲۹ (۳۰٪/۲)	۱۵۸ (۳۵٪/۵)	۳۸۶ (۴۸٪/۲)	
توزیع جنسی	ایرانی	۵۷ (۹۵٪)	۹۱ (۹۴٪/۸)	۴۲۸ (۹۶٪/۲)	۹۰۹ (۹۴٪/۳)
	اتباع	۳ (۵٪)	۵ (۵٪/۲)	۱۷ (۳٪/۸)	۵۵ (۸٪/۳)
p=۰/۰۰۰					
آزمون y2	کشاورز و دامدار	۸ (۱۳٪/۳)	۱۷ (۱۷٪/۷)	۸۲ (۱۸٪/۴)	۱۶۸ (۱۶٪/۸)
	خانه دار	۱۰ (۱۶٪/۷)	۱۹ (۱۹٪/۸)	۹۱ (۲۰٪/۴)	۲۳۲ (۳۰٪/۹)
وضعیت اشتغال	کارگر، راننده کارمند و نظامی	۱ (۱٪/۷)	۶ (۶٪/۳)	۳۲ (۷٪/۲)	۵۶ (۴٪/۷)
	محصل	۲۹ (۴۸٪/۳)	۳۲ (۳۳٪/۳)	۱۴۰ (۳۱٪/۵)	۳۱۴ (۳۱٪/۱)
آزمون y2	بازنشسته	۱۲ (۲۰٪)	۲۲ (۲۲٪/۹)	۱۰۰ (۲۲٪/۵)	۱۹۴ (۱۶٪/۵)
	مجموع	۶۰ (۶٪/۲)	۹۶ (۱۰٪)	۴۴۵ (۴۶٪/۲)	۹۶۴ (۳۷٪/۷)
p=۰/۰۱۳					

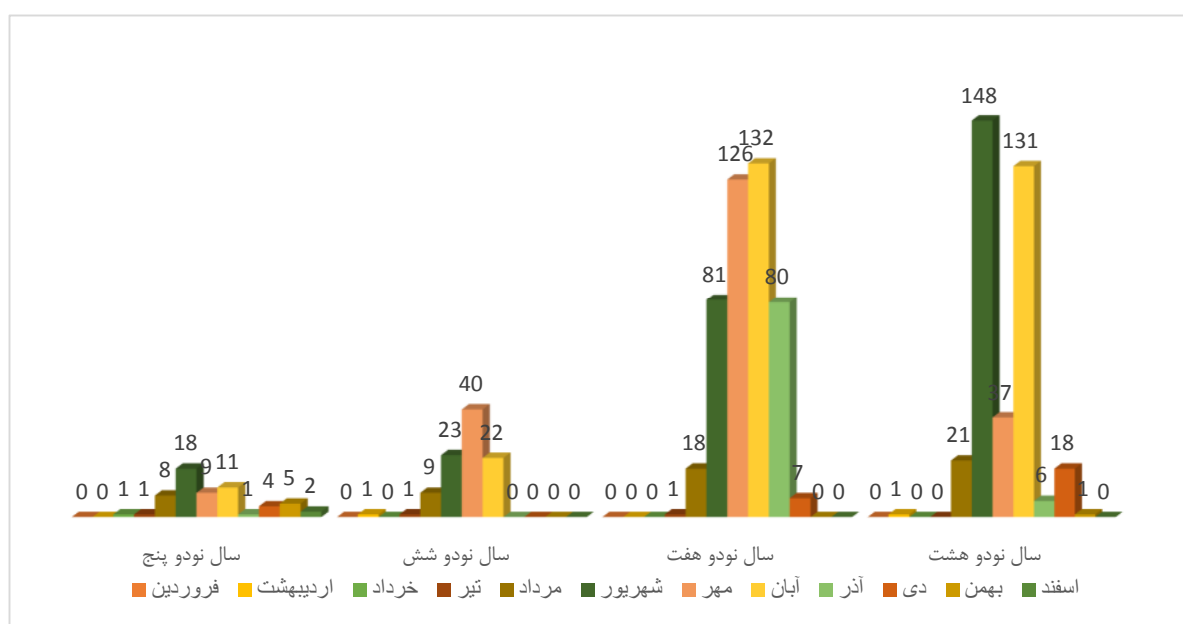
افراد دارای دو زخم، ۱۱/۹٪ دارای ۳ زخم، ۱۰/۸٪ افراد دارای ۵-۴ زخم و ۹/۴٪ افراد بیش از ۵ زخم داشته اند. که ۷۶/۷٪ این موارد، همراه با ترشح بوده اند. از لحاظ سایز بندی؛ ۲۱/۶٪ افراد دارای زخم های ۱ سانتیمتری، ۴۳/۵٪ زخم های ۲ سانتیمتری، ۸/۱٪ زخم های ۳ سانتیمتری، ۱۸/۶٪ زخم های ۴ سانتیمتری و در ۸/۳٪ افراد زخم های ≥ 5 سانتیمتری مشاهده شد. موقعیت زخم ها در ۳۸/۳٪ موارد، بر روی قسمتهای مختلف دست، ۲۷٪ بر روی پا و در ۱۰/۱٪ بر سر و گردن و صورت قرار داشتند.

۹۴/۳ درصد مبتلایان به لیشمانیوز جلدی در آران و بیدگل دارای ملیت ایرانی و مابقی از اتباع بودند. درصد فراوانی بیماری در اتباع از ۵٪ در سال ۹۵ به ۸/۳٪ در سال ۹۸ افزایش یافته است. (جدول شماره ۱)

براساس نتایج، ۹۹/۵ درصد از بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی در آران و بیدگل برای اولین بار به این بیماری مبتلا شده اند. همچنین ۹۹/۳ درصد از بیماران، فاقد سابقه اسکار در گذشته می باشند. نتایج نشان می داد که ۴۳/۶٪ مبتلایان به لیشمانیوز جلدی در آران و بیدگل دارای یک زخم، ۲۴/۳٪

جدول ۲: توزیع فراوانی ابتلا به لیشرمانیوز جلدی بر حسب محل سکونت و سال بروز

سال بروز محل سکونت	سال	مجموع
شهر	۹۵	۹۸
روستا	۹۶	۹۷
مجموع	۹۶	۹۴
آزمون χ^2	p=۰/۰۰۰	



نمودار ۱: توزیع فراوانی ابتلا به لیشرمانیوز جلدی بر حسب ماه بروز

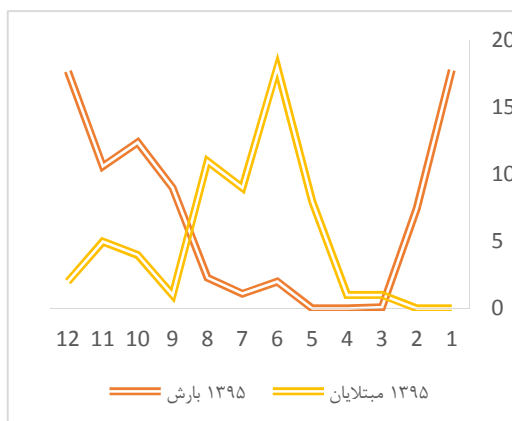
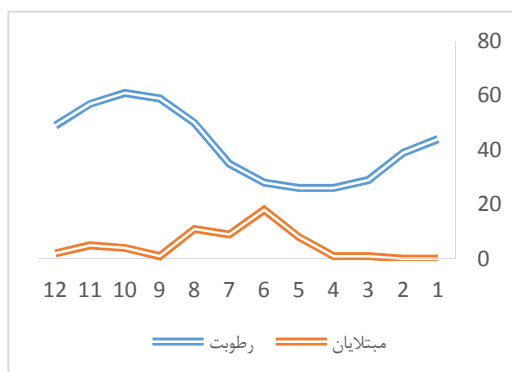
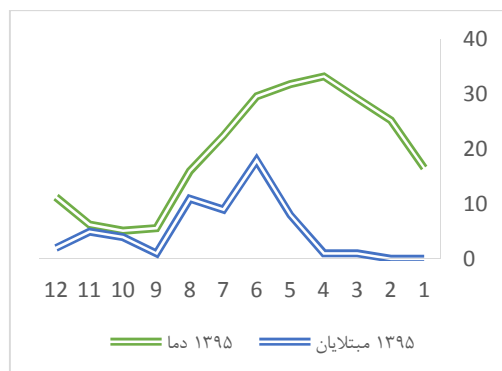
ج: بررسی اکولوژیکی

بررسی محل سکونت مبتلایان نشان داد که بیشترین میزان ابتلا به لیشرمانیوز جلدی مربوط به ساکنین شهری می باشد که این موارد از سال ۹۵ تا ۹۸، به صورت معنادار روند افزایشی داشته است (جدول شماره ۲).

براساس گزارشات موجود میزان ابتلا به لیشرمانیوز جلدی در شهرستان آران و بیدگل از فصل تابستان (مرداد ماه) رو به

افزایش بوده و در فصل پاییز (مهر و آبان) به حداکثر رسیده است. همچنین کمترین ابتلا به لیشرمانیوز جلدی را در ماه های ابتدای سال و اسفند ماه مشاهده شد (نمودار شماره ۱). بررسی سوابق مسافرتی مبتلایان نشان داد که: ۴۷/۷٪ مبتلایان، سابقه مسافرت به مناطق اندمیک را داشته و ۵/۸٪ افراد به مناطق غیراندمیک مسافرت نموده اند، با این حال ۴۶/۵٪ افراد فاقد

براساس نتایج، همبستگی مثبت و ضعیف بین رطوبت نسبی و بارش با موارد بروز بیماری ($r=0/55$) وجود داشته و نیز بین میانگین درجه حرارت محیط با میزان بروز بیماری همبستگی معکوس و ضعیف ($r=-0/42$) وجود دارد.

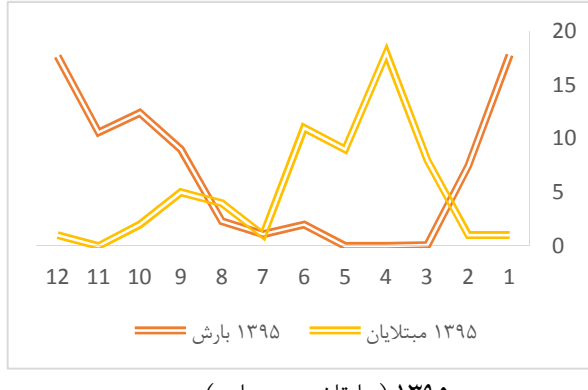
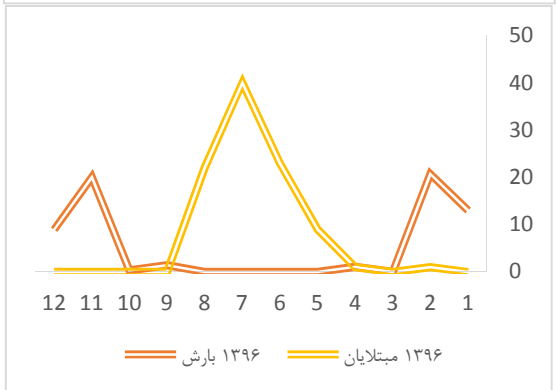
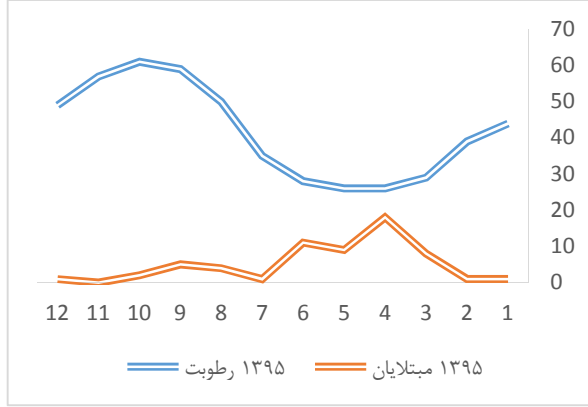
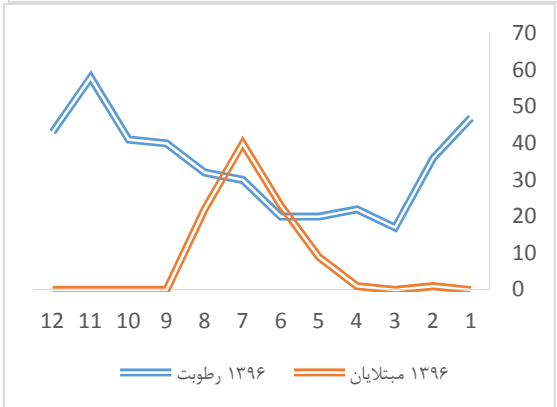
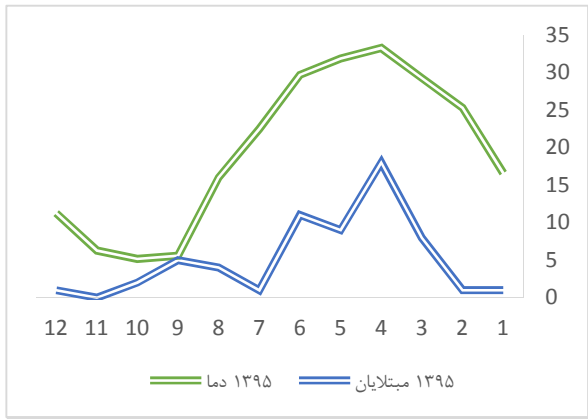
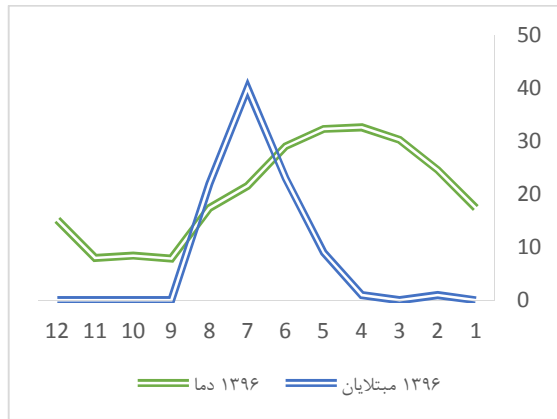


۱۳۹۵ (بدون تاخیر دو ماهه)

میانگین بارش در طول دوره آماری ۱۳۹۵-۹۸ در شهرستان آران و بیدگل معادل ۱۷/۷ میلیمتر است که کمینه بارش با میزان صفر میلیمتر در ماه های خرداد تا آبان ۱۳۹۶ و بیشینه آن به میزان ۱۸۷/۵ میلیمتر در اسفند ۱۳۹۷ می باشد. تغییرات بارش ماهانه و موارد بروز بیماری در طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۸ در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. بررسی بارش های ماهانه با موارد رخداد بیماری طی سال های مورد بررسی نشان می دهد که سال ۱۳۹۷، سال اوج رخداد بیماری و نوسانات بارش شدید بوده و مقدار بارش نسبت به سال قبل کاهش یافته است که در افزایش رخداد بیماری نقش ویژه ای داشته است.

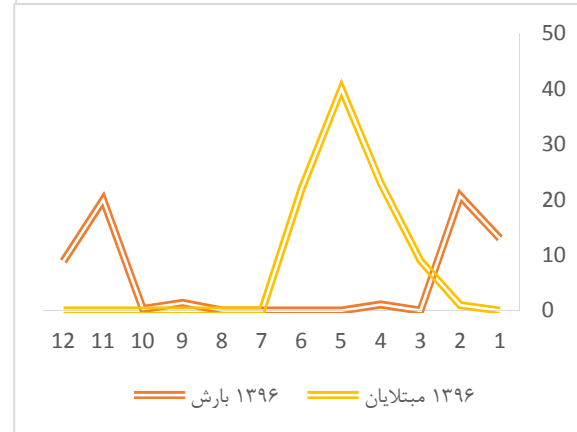
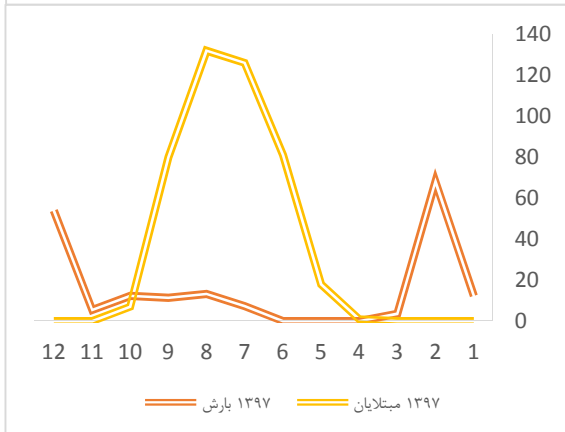
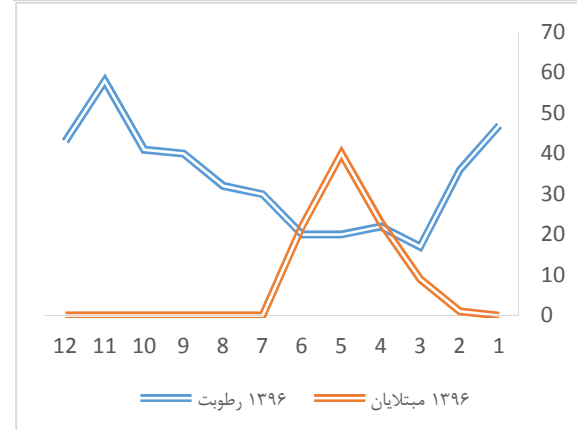
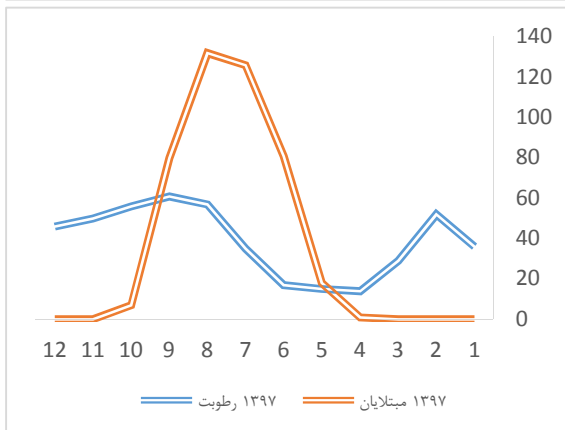
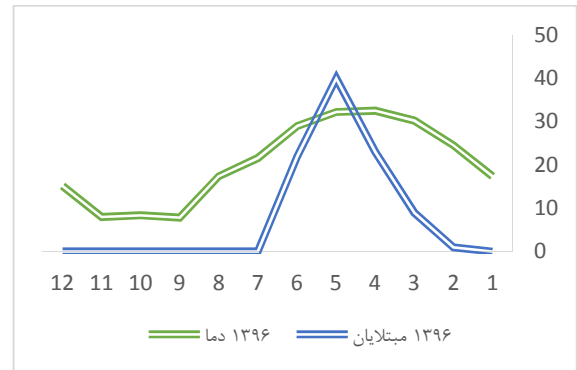
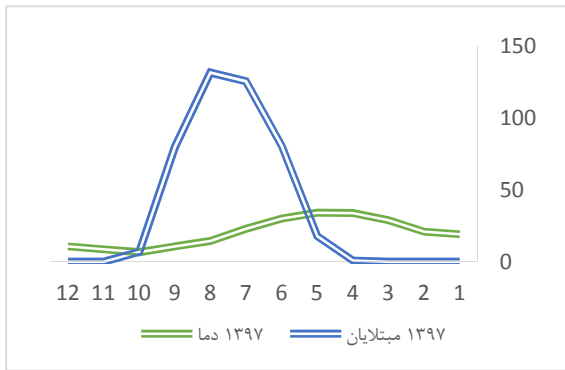
هوای کاملاً مرطوب یا خشک، محیط مناسبی برای رشد و فعالیت پشه حاکی از نظر رطوبت نمی باشد. رطوبت نسبی شهرستان آران و بیدگل در طول دوره فعالیت پشه حاکی، ۶۸-۱۴ درصد می باشد. اواخر فصل تابستان و اوایل فصل پاییز زمان مناسب برای رشد و فعالیت پشه حاکی است. براساس شکل شماره ۱، بین رطوبت نسبی و بروز موارد بیماری نیز یک تأخیر زمانی دوماهه قابل مشاهده است. به طوری که در کنار افت بیماری در فصل تابستان، موارد رخداد بیماری در فصل پاییز بیشتر شده است. علاوه بر این پایین بودن درجه حرارت در دوره سرد زمستان با وجود بالا بودن رطوبت نسبی، شرایط مساعدی برای فعالیت پشه حاکی نمی باشد.

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی بدون تأخیر زمانی بین موارد رخداد بیماری و عناصر آب و هوایی حاکی از آن است که همبستگی بین ساعات آفتابی و موارد بروز بیماری در سطح شهرستان آران و بیدگل، ارتباط معکوس و ضعیف ($r=-0/4$) قابل مشاهده است. بطوریکه با افزایش ساعات آفتابی، میزان بروز بیماری کاهش می یابد، بنابراین در ماههای گرم سال موارد رخداد بیماری کمتر مشاهده می شود.



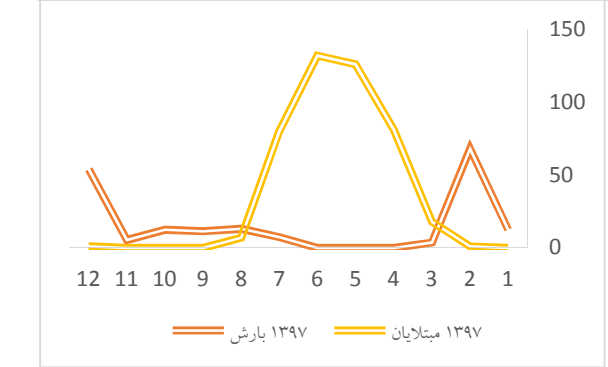
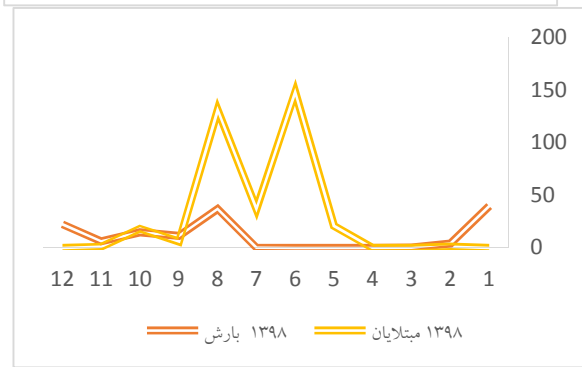
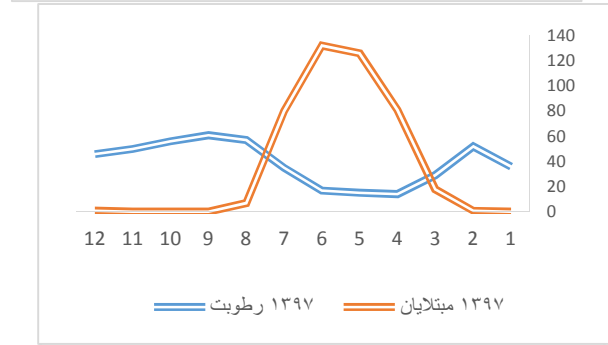
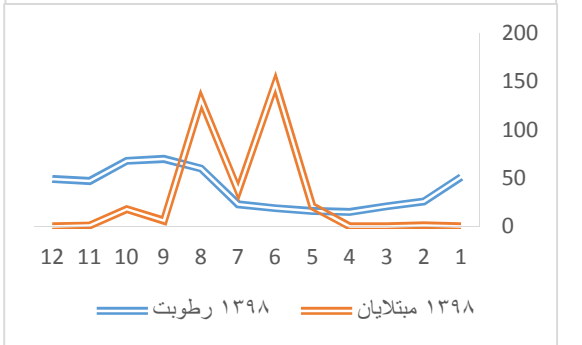
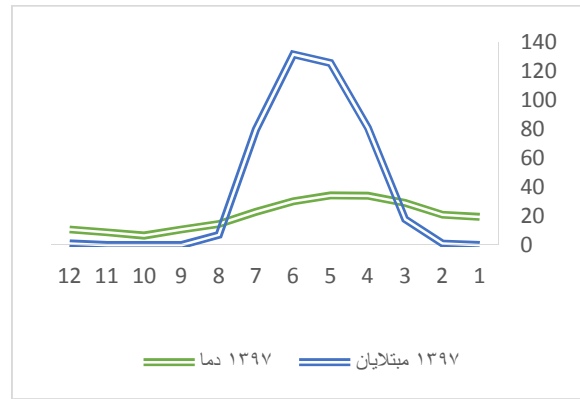
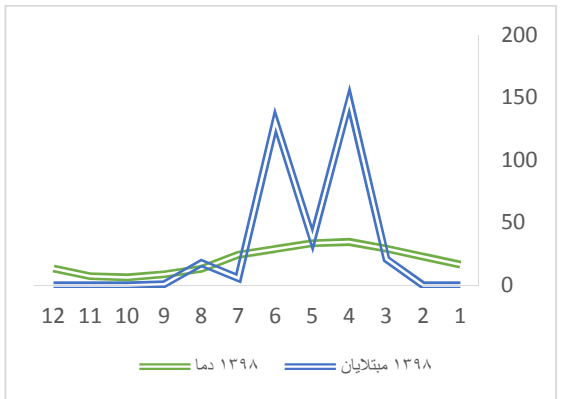
۱۳۹۶ (بدون تاخیر دو ماهه)

۱۳۹۵ (با تاخیر دو ماهه)



۱۳۹۷ (بدون تاخیر دو ماهه)

۱۳۹۶ (با تاخیر دو ماهه)



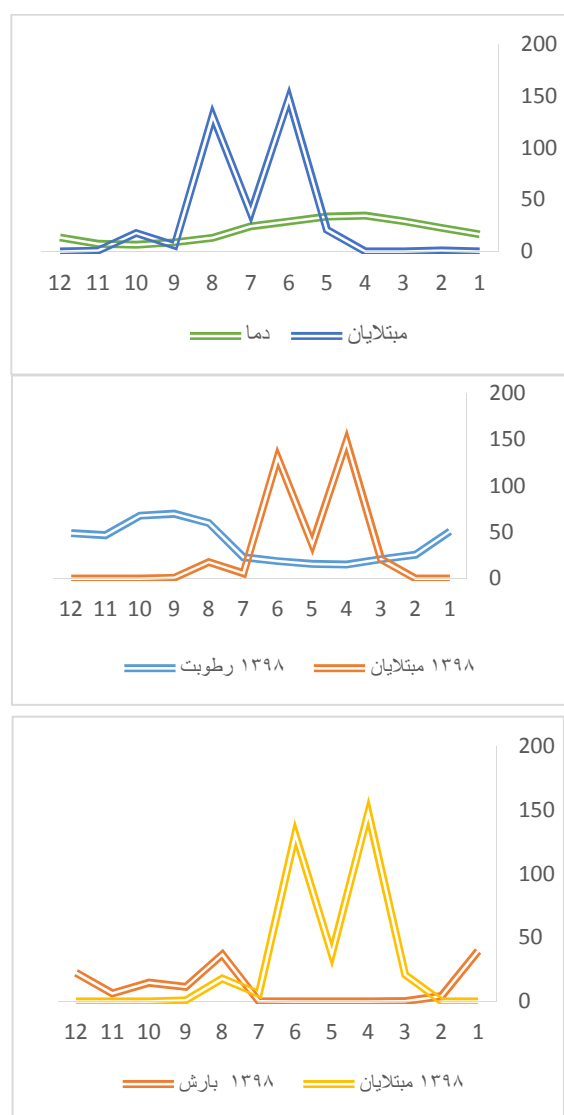
۱۳۹۸ (بدون تاخیر دو ماهه)

۱۳۹۷ (با تاخیر دو ماهه)

به ۴۴۵ نفر در سال ۹۷ (۷/۴ برابر سال ۹۵) و ۳۶۳ نفر در سال ۹۸ (۶/۰۵ برابر سال ۹۵) می‌باشد. این در حالیست که جمعیت آران و بیدگل از سال ۹۵ تا ۹۸ تغییر محسوسی نداشته ولی تغییرات محسوسی در میزان رطوبت، بارش و دما در فصل‌های رشد پشه خاکی مشهود است. نتایج این مطالعه با مطالعه ی بهبهانی و همکاران در استان خوزستان که روند نزولی در بروز لیشمانیوز از سال ۸۷ تا ۸۹، از ۵۶/۸۴ به ۱۸/۵۶ در صد هزار نفر، گزارش نموده اند^{۲۳} همخوانی ندارد که به علل مختلفی همچون تفاوت اقلیم، اقدامات پیشگیرانه و ... بستگی دارد.

همچنین در مطالعه بررسی اپیدمیولوژی لیشمانیوز جلدی در استان فارس در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ توسط حاتمی و همکاران، میزان بروز بیماری لیشمانیوز پوستی طی سال‌های ۸۴ لغایت ۹۳، هم سیر صعودی و هم سیر نزولی داشته است. بیماری از سال ۸۴ تا ۸۷ سیر صعودی و از سال ۸۷ تا ۹۳ سیر نزولی را تجربه نموده است^{۲۴} که با ۴ دوره مطالعه حاضر مطابقت دارد.

براساس نتایج مطالعه، تفاوت معنی داری بین گروه‌های سنی مختلف مبتلا به لیشمانیوز جلدی در شهرستان آران و بیدگل وجود دارد ($p=0/000$) بطوریکه حداکثر میزان بروز لیشمانیوز جلدی در آران و بیدگل در رده‌ی سنی زیر ۱۰ سال (۲۳/۹٪) مشاهده شد و فراوانی بیماران زیر ۱۰ سال در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵، ۱۲٪ افزایش داشته، همچنین در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۵، ۳۱٪ و در سال ۹۸ نیز ۲۳٪ نسبت به سال ۹۵ افزایش داشته است که با نتایج مطالعه حاتمی و رحمانپور که بیشترین ابتلایان در رده‌ی سنی ۰-۹ سال بود^{۲۴}، همخوانی دارد. همچنین در مطالعه جعفرنژاد و همکارانش در بررسی لیشمانیوز جلدی شهرستان لامرد در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ مشخص شد که بیشترین گروه سنی درگیر ۰-۹ سال و کمترین گروه سنی درگیر گروه سنی بالای ۶۰ سال می‌باشد^{۲۶} که با مطالعه حاضر همخوانی دارد. اگرچه براساس بازدیدهای میدانی، در سالهای اخیر، کانون لیشمانیوز جلدی به



۱۳۹۸ (با تاخیر دو ماهه)

شکل ۱: همبستگی بین موارد رخداد بیماری لیشمانیوز جلدی و میزان بارش، رطوبت و دما در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۳۹۸ با و بدون تأخیر زمانی

بحث

مطالعه حاضر که با هدف بررسی موارد لیشمانیوز جلدی در آران و بیدگل طی سالهای ۹۵ تا ۹۸ انجام شد نتایج حاکی از روند رو به افزایش لیشمانیوز جلدی از ۶۰ نفر در سال ۹۵

سمت مناطق مسکونی نفوذ داشته که در این حالت پشه ناقل تمایل دارد کودکان سنین پایین را بدلیل نازک بودن پوست، بیشتر مورد گزش قرار دهد.

اگرچه در مطالعه ثقفی پور و همکاران در در استان قم و نیز مطالعه‌ی جعفری و همکاران در شهرستان بافق؛ شایع‌ترین مبتلایان به ترتیب گروه سنی بالاتر از ۱۵ سال و ۲۴-۲۰ سال ذکر شده است^{۲۷، ۲۸} که با نتایج مطالعه حاضر مطابقت ندارد.

بررسی توزیع فراوانی بیماری لیشمانیوز جلدی برحسب جنس، تفاوت معناداری را بین زنان و مردان نشان داد ($p=0/000$) که با مطالعاتی جرجانی در همدان، ثقفی پور در قم و جعفری در یزد، که از لحاظ فرهنگی با مردم منطقه آران و بیدگل مشابهت دارند، همخوانی دارد^{۱۴، ۲۷، ۲۸}. براساس بازدیدهای میدانی، مجاورت کانونهای بیماری لیشمانیوز جلدی به محل کار، تفریح و امورات روزمره ی مردان، عدم رعایت موارد بهداشتی توسط مردان، پوشش لباس کمتر مردان و نیز رواج مشاغلی مانند کشاورزی که نیاز به فعالیت در شب دارند در این اختلاف جنسی ابتلا تأثیر گذارست.

هرچند براساس نتایج میزان ابتلای زنان به بیماری لیشمانیوز جلدی در سالهای ۹۵ تا ۹۸ به طرز معنی داری از ۴۰٪ در سال ۹۵ به ۴۸/۲٪ در سال ۹۸ افزایش یافته است ($p=0/000$) که شب نشینی‌ها و دورهمی های خانوادگی در مزارع کشاورزی و همچنین توسعه اماکن توریستی و گردشگری در سال های اخیر می‌تواند از علل تشدید این مورد می‌باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش درمورد توزیع فراوانی بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی برحسب ملیت تفاوت نسبتا معناداری را نشان می‌دهد ($p=0/059$) که با مطالعه احمدی در کاشان و حاتمی در شیراز^{۲۹، ۲۴} که فراوانی بیماران ایرانی بیشتر از اتباع بود همخوانی دارد که عدم آگاهی، عدم مراجعه ی اتباع جهت درمان لیشمانیوز جلدی به مراکز بهداشتی و نیز فعالیت در مناطق پرخطر^{۳۰} علت این موضوع می‌باشد.

براساس نتایج مطالعه حاضر، بروز لیشمانیوز جلدی در مناطق شهری در سالهای اخیر رو به افزایش بوده و از ۶۰٪ در سال ۹۵ به ۹۱/۷٪ در سال ۹۸ رسیده است که با نتایج مطالعه ثقفی پور در قم همخوانی دارد^{۱۴}. با این وجود در مطالعات جعفرنژاد در لامرد^{۲۶}، محمدی ازنی در دامغان^{۳۱} و محمدی در مرودشت^{۳۲}؛ فراوانی بیماران مبتلا در روستا بیش از بیماران ساکن شهر بود. براساس بازدیدهای میدانی، علل متفاوتی همچون مهاجرت از مناطق روستایی به شهری، حضور حداکثری افراد در فضاهای باز پارک و باغات حاشیه شهر در ساعات فعالیت ناقلین، افزایش مکانهای رفاهی و تفریحی در منطقه، افزایش حاشیه نشینی، تغییر در شیوه زندگی، وجود طرح های عمرانی نظیر مسکن مهر و تجمع نخاله های ساختمانی در اطراف شهرها^{۳۳}؛ بر این روند تاثیر گذاشته اند.

براساس نتایج؛ ۶۷/۹٪ مبتلایان دارای ۲ زخم بوده و سبب زخم لیشمانیوز جلدی در ۶۵/۱٪ بیماران مبتلا، کمتر مساوی ۲ سانتی متر بود که عدم مراجعه به موقع، دستکاری زخم و استفاده از درمان های خانگی نامناسب، جزء علت های احتمالی می‌باشد.

سابقه مسافرت ۵۳/۵٪ درصد از بیماران در یک سال اخیر ، که در ۸۹٪ موارد مسافرت به مناطق اندمیک از نظر لیشمانیوز جلدی انجام شده است نیز یکی از دلایل افزایش لیشمانیوز جلدی در منطقه می‌باشد که با مطالعه ظهیرنیا و همکاران در همدان که در ۹۹٪ موارد سابقه اسکان یا مسافرت به مناطق اندمیک را داشتند^{۳۴} همخوانی دارد.

شروع روند روبه افزایش مبتلایان به لیشمانیوز جلدی از مرداد ماه و اوج بروز در فصل پاییز حاکی از این است که در فصل بهار و تابستان که پوشش افراد کم است، بیشترین گزش رخ داده و سبب فراوانی زخم در اندام‌ها شده است که با مطالعه‌ی انجام شده در عربستان که اندام‌ها، شایع‌ترین محل ابتلا به لیشمانیوز^{۳۵} بودند و نیز سایر مطالعات انجام شده در ایران^{۳۲} همخوانی دارد.

تبخیر و افزایش رطوبت نسبی و نیز تعدیل دمای محیط داشته باشد و از سویی دیگر با بهسازی محیط و جلوگیری از ماندابی شدن محیط، محل رشد پشه را مختل نموده و از تولید مثل و تکثیر آن جلوگیری نمود. از این رو مرطوب ساختن محیط و نیز اتخاذ تدابیر لازم در جهت اصلاح محیط زیست جانوری محل، نقش مهمی در کاهش تعداد مبتلایان به لیشمانیوز جلدی دارد.

در مقایسه همبستگی بروز لیشمانیوز جلدی با فاکتورهای محیطی، همبستگی مثبت با رطوبت و جمع بارش ماهیانه، تعداد روزهای بارندگی و یک همبستگی معکوس با متوسط دما و میزان ساعات آفتابی و موارد بروز بیماری وجود دارد.

البته در برخی از مطالعات به همبستگی مثبت بروز لیشمانیوز جلدی با سرعت باد نیز اشاره شده است اما در مطالعه حاضر سرعت متوسط باد در اکثر سالهای مطالعه در دسترس نبود به همین دلیل همبستگی این فاکتور اکولوژیکی با بروز لیشمانیوز مورد بررسی قرار نگرفته است.

هرچند بروز حداکثری بیماری در شش ماهه دوم سال، بویژه در ماه مهر و آبان، اتفاق می افتد اما نمودارهای ارتباط سنجی بین عناصر اقلیمی و بیماری با دوره تأخیر دو ماهه، حاکی از مناسب بودن شرایط محیطی در ماه های خرداد تا شهریور برای رشد و فعالیت پشه های لیشمانیوز جلدی می باشد. براین اساس در هر سالی که میزان حرارت در فصل تابستان، مقدار بارش و مقدار رطوبت بالا باشد انتظار می رود که تعداد بیماران نیز بیشتر باشد، از این رو در چنین سال هایی تدابیر بهداشتی بیشتری بایستی اتخاذ نمود.

نتیجه گیری

براساس نتایج مطالعه؛ بالاترین فراوانی ابتلا در فصل پاییز (آبان ماه) در مقابل فصل بهار با کمترین میزان ابتلا؛ لحاظ نمودن تأخیر دو تا سه ماهه در بررسی اپیدمیولوژیکی و اکولوژیکی لیشمانیوز حائز اهمیت می باشد. هرچند تفاوت ابتلا

در اکثر مطالعات از جمله مطالعه حاتمی و همکاران، بیشترین بروز ابتلا به لیشمانیوز جلدی در فصل پاییز و کمترین آن در فصل بهار گزارش شده است^{۲۴}، همچنین Tiwary و همکاران در مطالعه خود در هندوستان، اواخر تابستان و اوایل پاییز را شایعترین زمانها برای ابتلا به لیشمانیوز^{۳۶} ذکر کردند که با نتایج مطالعه حاضر که بیشترین میزان ابتلا به لیشمانیوز جلدی مربوط به فصل پاییز (آبان ماه) و نیز کمترین میزان ابتلا به لیشمانیوز جلدی در فصل بهار (فروردین و اردیبهشت) است همخوانی دارد. همچنین با توجه به اینکه رایج ترین مدت زمان از گزش پشه تا بروز زخم لیشمانیوز جلدی، دو تا سه ماه می باشد براساس نمودارهای با تأخیر دو ماهه بیشترین گزش، مربوط به فصل تابستان بوده که مرتبط با فعالیت در مزارع و زمین های کشاورزی و استفاده از مکانهای تفریحی در این فصل است. علاوه بر این کاهش بروز بیماری در فصل بهار نیز می تواند با عدم فعالیت پشه در زمستان و نامناسب بودن شرایط اقلیمی برای فعالیت پشه خاکی در این فصل مرتبط باشد.

گزارش مطالعات بررسی لیشمانیوز جلدی در ایران و جهان، مبنی بر شیوع بیماری کشورهای گرم خشک و در ماه های شهریور، مهر و آبان، نقش عوامل اقلیمی را در انتشار بیماری برجسته می کند. عوامل اقلیمی، به ویژه دما و خاک، از عوامل مهم اکولوژیکی تعیین کننده فعالیت پشه خاکی ناقل لیشمانیوز جلدی محسوب می شوند^{۱۶، ۳۷}. هرچند در مطالعات متعددی رطوبت و دما را عامل مهم در توزیع پشه های خاکی فلبتوموس ناقل بیماری لیشمانیوز جلدی ذکر کرده اند، پشه خاکی در منطقه راجستان هند^{۳۸} در رطوبت ۳۱-۸۵ درصد و دامنه حرارتی ۱۷ تا ۳۶ درجه سانتیگراد مشاهده شده است که با شرایط اقلیمی مطالعه حاضر همخوانی دارد.

نتایج بررسی مظفوری و همکاران در سال ۱۳۸۹ بیشترین میزان شیوع لیشمانیوز جلدی در مناطقی با پایین ترین میزان پوشش گیاهی بوده است^{۳۹}. براساس نتایج این مطالعه، حرکت آب در بستر زاینده رود می تواند نقش مؤثری در افزایش

به لیشمانیوز جلدی داشته باشد به همان میزان افزایش رطوبت نسبی هوا می‌تواند در کاهش ابتلا به این بیماری مؤثر باشد. همبستگی مثبت بین دما و ساعات آفتابی و شمار مبتلایان به لیشمانیوز و همبستگی منفی رطوبت نسبی و تعداد مبتلایان؛ نشان می‌دهد که با اتخاذ برنامه های حفاظت از اقلیم (کاهش دما و افزایش رطوبت نسبی) به همراه رعایت بهداشت محیط، می‌توان شمار مبتلایان به این بیماری را تا حد قابل توجهی کاهش داد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از مرکز بهداشت شهرستان آران و بیدگل به دلیل در اختیار گذاشتن داده های مورد نیاز و انجام همکاری های لازم تشکر و قدردانی می‌گردد. این مطالعه حاصل بخشی از پایان نامه دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی کاشان با کد اخلاق IR.KAUMS.MEDNT.REC.1399.136 می‌باشد

References

1. Macêdo CG, Fonseca MYN, Caldeira AD, et al. Leishmanicidal activity of Piper marginatum Jacq. from Santarém-PA against *Leishmania amazonensis*. *Experimental parasitology* 2020;210: 107847.
2. Organization WH. Control of the leishmaniasis: report of a meeting of the WHO Expert Committee on the Control of Leishmaniasis, Geneva, 22-26 March 2010: World Health Organization; 2010.
3. Peters NC, Sacks DL. The impact of vector-mediated neutrophil recruitment on cutaneous leishmaniasis. *Cellular microbiology* 2009;11(9):1290-1299.
4. Jorvand R. Active safety and individual factors influencing the behavior of elementary school students in the city dehloran cutaneous leishmaniasis. *Technology and Research Information System* 2020;3(2): 0-0.
5. Alves F, Bilbe G, Blesson S, et al. Recent development of visceral leishmaniasis treatments: successes, pitfalls, and perspectives. *Clinical microbiology reviews* 2018;31(4): e00048-18.
6. Bessat M, Okpanma A, Shanat E. Leishmaniasis: Epidemiology, control and future perspectives with special emphasis on Egypt. *J Trop Dis* 2015;2(153): 1-10.
7. Razmjou S, Hejazy H, Motazedian MH, et al. A new focus of zoonotic cutaneous leishmaniasis in Shiraz, Iran. *Transactions of the Royal Society of Tropical Medicine and Hygiene* 2009;103(7): 727-30.
8. Yaghoobi-Ershadi M, Hanafi-Bojd A, Akhavan A, et al. Epidemiological study in a new focus of cutaneous leishmaniasis due to *Leishmania major* in Ardestan town, central Iran. *Acta tropica* 2001;79(2): 115-21.
9. Salimi M. A clinical and epidemiological comparison on the cutaneous leishmaniasis in the city and villages of Isfahan. *Iran J Public Health* 2000;2(4): 214-9.
10. Fazaeli A, Fouladi B, Sharifi I. Emergence of cutaneous leishmaniasis in a border area at south-east of Iran: an epidemiological survey. *Journal of vector borne diseases* 2009;46(1): 36.
11. Mirzaei N, Mohammadzadeh M, Jannat B, Takhtfiroozeh S. Frequency of cutaneous leishmaniasis in Meshkan, Center of Iran. *Journal of Entomological Research* 2019;43(3): 407-12.
12. Arani MH, Abedzadeh M, Nasiri M, Mohammadzadeh M. The Relationship between Blood Type and Cutaneous Leishmaniasis in Iran (A Review). *Journal of Environmental Health and Sustainable Development* 2021; 6(3): 1332-9.

13. Mohebbali M, Yaghoobi P, Houshmand B, Khamesipour A. Efficacy of Paromomycin ointment prepared in Iran (Paromo-U) against cutaneous Leishmaniasis caused by *Leishmania major* in mouse model. 2004.
14. Saghafipour A, Akbari A, Rasi Y, Mostafavi R. Epidemiology of Cutaneous Leishmaniasis in Qom Province, Iran, during 2003-2009. *Qom University of Medical Sciences Journal* 2012;6(1): 83-8.
15. Rahmanpour A, The Epidemiology Study of Cutaneous Lishmaniasis in Bushehr Province. *Zanko Journal of Medical Sciences* 2019;19(63): 59-73.
16. Cardenas R, Sandoval CM, Rodriguez-Morales AJ, Franco-Paredes C. Impact of climate variability in the occurrence of leishmaniasis in northeastern Colombia. *The American journal of tropical medicine and hygiene* 2006;75(2): 273-7.
17. Bounoua L, Kahime K, Houti L, et al. Linking climate to incidence of zoonotic cutaneous leishmaniasis (*L. major*) in pre-Saharan North Africa. *International Journal of Environmental Research and Public Health* 2013;10(8): 3172-91.
18. Naicker PR. The impact of climate change and other factors on zoonotic diseases. *Archives of Clinical Microbiology* 2011;2(2).
19. Salomón OD, Quintana MG, Mastrángelo AV, Fernández MS. Leishmaniasis and climate change—case study: Argentina. *Journal of tropical medicine* 2012;2012.
20. Douidi M, Hejazi SH, Razavi MR, et al. Comparative molecular epidemiology of *Leishmania major* and *Leishmania tropica* by PCR-RFLP technique in hyper endemic cities of Isfahan and Bam, Iran. *Medical Science Monitor* 2010;16(11): CR530-CR5.
21. Yaghoobi-Ershadi M, Akhavan A. Entomological survey of sandflies (Diptera: Psychodidae) in a new focus of zoonotic cutaneous leishmaniosis in Iran. *Acta tropica* 1999;73(3): 321-6.
22. Arani MH, Jaafarzadeh N, Moslemzadeh M, et al. Dispersion of NO₂ and SO₂ pollutants in the rolling industry with AERMOD model: a case study to assess human health risk. *Journal of Environmental Health Science and Engineering* 2021: 1-12.
23. Behbahani A, Ahmadi S, Latifi SM, Sadeghi M. Study of the frequency of Cutaneous Leishmaniasis in Omidieh district, Khuzestan province, south west of Iran(2008-2010). 2013;4(4): 37-46.
24. Hatami I, Khanjani N, Aliakbarpoor M, Dehghan A. Epidemiologic characteristics and time trend of cutaneous leishmaniasis incidence in cities under the surveillance of Shiraz University of Medical Sciences. 2018; 16(1): 1-18.
25. Talari SA, Talari MR, Behzadi Z, et al. The relationship of zoonotic cutaneous leishmaniasis to ABO blood group. *IIOAB Journal* 2012;3(2): 42-4.
26. Jafarnejad A, Jamshidi F, Deghan A. Evaluation of cutaneous leishmaniasis in the city of Lamerd in 2004-2014. *medical journal of mashhad university of medical sciences* 2017;60(1): 376-82.
27. Jafari R, Mohebbali M, Dehghan-Dehnoee A, et al. Epidemiological Status of Cutaneous Leishmaniasis in Bafgh City, Yazd Province 2005. *SSU_Journals* 2007;15(2): 76-83.
28. Jorjani O, Mirkarimi K, Charkazi A, et al. The epidemiology of cutaneous leishmaniasis in Golestan Province, Iran: A cross-sectional study of 8-years. *Parasite epidemiology and control* 2019;5: e00099.
29. Ahmadi N, Ghafarzadeh M, Jalaligaloosang A, Gholamiparizad E. An epidemiological study of cutaneous leishmaniasis with emphasis on incidence rate in Kashan, Isfahan province. 2013; 21(2): 1-9.
30. Pourmohammadi B, Heydari A, Fatemi F, Modarresi A. Risk factors threatening health care facilities in disasters and emergencies. 2020.
31. Mohammadi Azni S, Nokandeh Z, Khorsandi A, AR SD. Epidemiology of cutaneous leishmaniasis in Damghan district. *Journal Mil Med* 2010;12(3): 131-5.
32. Mohammadi J, Faramarzi H, Ameri A, Bakhtiari H. Epidemiological Study of Cutaneous Leishmaniasis in Marvdasht, Iran, 2017. *Armaghane danesh* 2018;23(4): 488-98.
33. Galavizade S, Fata A, Vakili V, Zarean M. Survey the cutaneous leishmaniasis prevalence in Mashhad during the past twenty years (1995–2014) and the effect of environmental risk factors on that. *medical journal of mashhad university of medical sciences* 2015;58(9): 516-22.
34. Zahirnia A, Moradi A, Nourouzi N, et al. Epidemiological survey of cutaneous Leishmaniasis in Hamadan province (2002-2007). 2009; 16(1): 43-47
35. Kubeyinje E, Belagavi C, Jamil Y. Cutaneous leishmaniasis in expatriates in northern Saudi Arabia. *East African medical journal* 1997;74(4): 249-51.
36. Tiwary P, Kumar D, Mishra M, et al. Seasonal variation in the prevalence of sand flies infected with *Leishmania donovani*. *PloS one* 2013;8(4) :e61370.
37. Desjeux P. Leishmaniasis: current situation and new perspectives. *Comparative immunology, microbiology and infectious diseases* 2004;27(5): 305-18.
38. Thomson M, Elnaiern D, Ashford R, Connor S. Towards a kala azar risk map for Sudan: mapping the potential distribution of *Phlebotomus orientalis* using digital data of environmental variables. *Tropical Medicine & International Health* 1999;4(2): 105-13.
39. Mozaffari G, Bakhshizadeh F, Gheibi M. Analysis relationship between vegetation cover and salak skin disease in Yazd-Ardakan plain. 2012; 22(4): 47-50.

The Study of Epidemiological Cutaneous Leishmaniasis in Aran and Bidgol City, and the Impact of Climatic Factors on that during 2016-2019

Azam bagheri¹, Mansooreh Momen-Heravi^{2*}, Habibollah Rahimi³, ferdovs shabkolahi⁴, Mohsen Hesami Arani⁵

¹Assistant Professor of Reproductive Health, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Kashan University of Medical Sciences

²Professor of Infectious Disease, Department of Infectious Disease, School of Medicine, Kashan University of Medical Sciences

³Assistant Professor of Statistics, Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Health, Kashan University of Medical Sciences

⁴MD Student, Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Health, Kashan University of Medical Sciences

⁵PhD Candidate, Department of environmental health, School of Health, Iran University of Medical Sciences

*E-mail: fatchizadeh@gmail.com

Received: 28 November. 2021; Accepted: 29 January. 2022

ABSTRACT

Background: Leishmaniasis, a common parasitic disease between humans and animals, which is currently one of the major health problems in many parts of Iran. Therefore, this study aimed to investigate the prevalence of cutaneous leishmaniasis in Aran and Bidgol and the effects of climatic factors on that during 2016-2019.

Methods: This cross-sectional study was performed by referring to the health records of 964 cutaneous leishmaniasis patients in Aran and Bidgol during 2016-2019 and epidemiological information was recorded. In addition, the climatic characteristics of the study area, including temperature, humidity, and precipitation were collected from the meteorological station of the study area. Then correlation analysis was performed between meteorological elements and the incidence of the disease. The data were analyzed using SPSS software version 16.

Results: 60% of the patients were male. The age group of 0-10 years had the highest frequency (23.9%) among patients. Also, 47.7% of the patients had a history of traveling to endemic areas and the highest rate of leishmaniasis was related to urban residents. There was also a weak positive correlation between humidity and rainfall with leishmaniasis incidence ($r = +0.55$). A weak negative correlation was also observed between temperature of the environment and leishmaniasis incidence ($r = -0.42$).

Conclusion: Due to the significant increase in cutaneous leishmaniasis in recent years in the area, as well as the appropriate ecological conditions of the area for sand fly activity, it is recommended to conduct the necessary training to observe health in hot seasons and field controls, such as baiting.

Key words: Cutaneous Leishmaniasis, Climatic Elements, Epidemiology, Aran and Bidgol